

## شهید عباس نصیری



نام پدر	غلام
تاریخ تولد	۱۳۴۲/۰۱/۲۱
محل تولد	بوشهر - دشتی
تاریخ شهادت	۱۳۶۵/۰۷/۲۲
محل شهادت	سرپل ذهاب
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	سرباز زمینی ارتش
شغل	—
تحصیلات	دوره ابتدایی
مدفن	کاکي

## زندگینامه

### زندگینامه شهید

شهید عباس نصیری در سال ۱۳۴۶ هنگامی که مصادف با ۲۸ صفر سالروز وفات پیامبر اکرم بود، در خانواده ای مذهبی در کاکلی چشم به این جهان خاکی باز کرد. اولین صدایی را که در این دنیای پسر و صدا گوشه اش را نواخت موسیقی دلنشین، آهنگ اذان و اقامه بود که پدر به حکم سنت آنرا برای نوازش اجرا می کرد.

تقریباً تمام مردم این شهر صمیمیت و صفای حاج غلامحسین نصیری را درک کرده اند و یا لحظاتی با در کنار ایشان بودند و با شوخی های ملیح او خستگی را از تن بدر کرده اند. ایشان شخصی متقی و باایمان و زحمتکش است که کار و تلاش برایش افتخار است و از بیکاری عار دارد، با وجود کهولت سن کار کردن را مایه افتخار می داند. کودکی عباس در کنار خانواده با توجه به فقر و تنگدستی آن روزگار به سختی می گذشت.

محیط مذهبی خانواده، کار و ادعیه و نمازهای پدر و مادر در خانه عباس را متأثر کرده بود وی شدیداً تحت تأثیر قرار گرفت و از همان کودکی شخصی مذهبی به بار آمد.

دامان پر مهر و عاطفه مادر دستان پینه بسته پدر که پر از عشق و محبت بود او را نوازش می کرد از او به عنوان یک انسان نمونه و الگو در میان خانواده ساخته بود.

عباس از زمان کودکی با پدر روانه مسجد جامع کاکلی می شد و فرائض یومیه را در آنجا اقامه می کرد. علاقه بخصوصی نسبت به فراگیری قرآن داشت. در سن ۶ سالگی پا به دبستان عنصری سابق (شهید منفرد کنونی) گذاشت و تا کلاس چهارم ابتدایی تحصیل کرد، در مدرسه به علت جاذبه خاصی که داشت بسیار مورد علاقه معلمان بود، همیشه عضو تیم فوتبال در آموزشگاه بود ولی بر اثر فقر و تهیدستی خانواده نتوانست به تحصیل ادامه دهد به همین خاطر همگام با پدر جهت تأمین مخارج زندگی شروع به کار و فعالیت کرد.

با اوج گیری انقلاب شکوهمند اسلامی و تظاهرات های ملت قهرمان ایران او نیز با وجودیکه در عنوان نوجوانی بود به صفوف تظاهر کنندگان می پیوست و با شجاعت و بی باکی تمام به همراه دیگر دوستان خصوصاً شهید ظریف حق شب ها اعلامیه در سطح شهر پخش می کردند.

با شروع جنگ تحمیلی و فرمان تاریخی امام مبنی بر تشکیل بسیج عمومی با عضویت در گروه مقاومت و بسیج شبانه روز خود را وقف خدمت در راه حفظ ارزش و دست آوردهای انقلاب می کرد. اغلب شب ها به همراه سایر روستاییان با تشکیل گروه گشت در سطح شهر و منطقه به نگهبانی می پرداختند و طوریکه قسمت عمده آرامش و امنیت در آن زمان مرهون تلاش ها و زحمت ایشان و دوستان وی می باشد.

اخلاق و رفتار خوبی داشت، با همه دوستان، اقوام و همسنگران بسیار مهربان با صفا و خوش برخورد بود. از فعالیت های ورزشی وی عضویت در باشگاه های فرهنگی ورزشی پرسپولیس و ایرانجوان کاکلی بود، در زمین فوتبال علاوه بر حسن اخلاق بسیار خوب بازی می کرد و نقش بسزایی در قهرمانی این دسته های ورزشی داشت. یکبار از طرف بسیج برای دفاع از کشور به همراه دوستانش راهی جبهه گردید و مدت ۳ ماه در منطقه عملیاتی مشغول دفاع از خاک کشور اسلامی ایران گردید که سرافرازانه در پایان مأموریت به خانه مراجعت نمود، از آنجایی که نشستن در خانه را برای خود ننگ می دانست بار دیگر از طریق بسیج به جبهه اعزام گردید. پس از اتمام مأموریت این بار راهی خدمت مقدس سربازی شد و پس از گذراندن دوره آموزشی داوطلبانه باز هم از طریق پادگان به جبهه اعزام گردید که پس از چند ماه خدمت در اواخر سال ۶۴ مجروح گردید و پس از اینکه این مجروحیت

بهبودی حاصل کرد به محل خدمتش مراجعت نمود که این بار در حالیکه چند روز بیشتر از خدمت سربازیش باقی نمانده بود بر اثر موج انفجار خمپاره در مورخه ۲۲/۷/۶۵ به درجه شهادت نایل گشت.

پیکر مطهرش چند روز بعد از شهادت به کاکای منتقل گردید و با تشییع با شکوهی که انجام گردید در گلزار شهدای این شهر به خاک سپرده شد.

«یادش گرامی باد».

مشخصات پدر شهید عباس نصیری

نام: حاج غلام

نام خانوادگی: نصیری

تاریخ تولد: ۱۳۱۳

محل تولد: کاکای

شغل: کاسب

زندگی نامه

حاج غلام نصیری فرزند علی کل نصرالله یا زایر نصرالله در سال ۱۳۱۳ در شهر کاکای متولد گردید، از همان کودکی به مزارع می رفت و در زمین اقوام و دوستان کار می کرد در سن ۲۵ سالگی ازدواج نمود، ایشان شخصی با ایمان و خوش اخلاق می باشد به طوریکه مجالست و هم نشینی با وی مایه خرسندی دوستان و اقوام است، بسیار علاقمند به اهل بیت عصمت و طهارت است تاکنون بارها به زیارت قبور ائمه مشرف گردیده. در سال ۱۳۸۲ به توفیق زیارت و قبر پیامبر در مدینه را یافت، وی با وجود کهولت سن و کمی دید چشم هم اکنون با شغل ماهی فروشی روزگار را می گذراند که کار ایشان قابل تحسین و تمجید است. شخصی منصف و پرهیزگار است.

مشخصات مادر شهید عباس نصیری

نام: ستاره

نام خانوادگی: پرویزی

تاریخ تولد: ۱۳۲۴

محل تولد: جتل

شغل: خانه دار

ستاره پرویزی فرزند مشهدی صالح در سال ۱۳۲۴ در روستای جتل از توابع سعدآباد به دنیا آمد. کودکی را نزد خانواده در همان روستا با کمک کردن به خانواده در باغداری و پرورش نخل گذراند، در ۱۶ سالگی با حاج غلام نصیری ازدواج می نماید و از همان زمان رحل اقامت در کاکای می افکند و پا به پای همسرش به کار و تلاش می پردازد. دارای ۴ فرزند پسر به نامهای رضا، عباس، احمد و حسن می باشد که فرزند دوم ایشان در سال ۱۳۶۵ در جبهه به شهادت رسید و ۷ دختر دارد. وی زنی بسیار متقی و پر تلاش است، علاوه بر کار خانه در کاسبی نیز گاهی اوقات به همسرش کمک می کند، وی از ارادتمندان خالص خاندان عصمت و طهارت می باشد که در اغلب مراسمات و روضه خوانی ها شرکت می نماید. اینک در کاکای زندگی می کند.

## وصیت نامه

بسم رب الشهداء و الصدیقین

وصیت نامه شهید عباس نصیری

ان الله يحب الذين يقاتلون في سبيله صفا كانهم بنيان مرصوص

با درود فراوان به امام زمان منجی عالم بشریت و نائب بر حقش این کشتی نجات مستضعفان امام امت پیر جماران خمینی بت شکن و سلام بر رزمندگان سلحشور در جبهه های نبرد حق علیه باطل و سلام بر شهدا از صدر اسلام تا کنون علی الخصوص شهدای جنگ تحمیلی و سلام بر خانواده شهدا.

اینجانب عباس نصیری فرزند غلامحسین متولد ۱۳۴۶ صادره از کاکلی بنا به فرموده امام امت بر حسب الوظیفه ای که داشتم و بر خود واجب دانستم که روانه جبهه های نبرد حق علیه باطل شوم زیرا در این زمان اسلام در خطر است، قرآن در خطر است و ما جوانان باید از حُریم مقدس اسلام دفاع نمائیم و به ندای رهبر عظیم الشان خود لبیک گوئیم و روانه جبهه شویم. امروز زمانی است که تمامی اسلام در برابر تمامی کفر ایستاده و ما باید برادران خود را در جبهه یاری دهیم.

برادران عزیز خدا را شاهد می گیرم که هدف من از رفتن به جبهه فقط صراط المستقیم می باشد و جز اسلام هدفی ندارم و به برادران بگوئید اگر تقصیری از اینجانب دیده اید مرا ببخشید به پدرم و مادرم می گویم مبادا از رفتن من به جبهه ناراحت باشند گرچه من لیاقت شهید شدن را ندارم ولی اگر من شهید شدم مبادا در مرگم غمگین باشید، زیرا روی من آزرده می شود و وصیت می کنم که مرا در بهشت امام حسین کاکلی دفن نمائید و یک پیام هم به برادران حزب الله دارم که پاسدار حرمت خون شهدا باشند و نگذارند که خون آنها بهدر رود.

با تقدیم احترام خدمتگذار شما عباس نصیری

## مصاحبه

مصاحبه با پدر شهید عباس نصیری

۴ با عرض سلام، مختصری از خودتان بگویید.

□ به نام خداوند بزرگ، اینجانب غلامحسین نصیری ساکن کاکي پدر شهید عباس نصیری و بیش از ۷۰ سال دارم.

۴ فرزندان چند ساله بودند که به جبهه اعزام شدند؟

□ شانزده سال.

۴ در مورد سطح تحصیلات فرزندان بفرمایید.

□ تا پنجم دبستان در مدرسه شهید منفرد فعلی و عنصری سابق درس خواند.

۴ فرزند چندم خانواده بوده است؟

□ فرزند سوم.

۴ در مورد اخلاق و رفتار ایشان با پدر و مادر بفرمایید.

□ بسیار خوش اخلاق و خوش برخورد، نمونه از هر نظر هرگز کاری نکردند که ما از ایشان رنجیده شویم.

۴ آیا شهید با علاقه و رغبت خودشان به جبهه رفتند؟

□ علاقه خاصی به جبهه و جهاد داشت و عشق امام او را به سوی جبهه می کشاند.

۴ آیا در طول حضور در جبهه مجروح شدند؟ در کجا بستری بود؟

□ بله، یکبار از ناحیه پا مورد اصابت تیر قرار گرفت و مدت چهارده روز در بیمارستان مشهد بستری بود و هنگامی که به خانه برگشتند متوجه شدیم ۳ بار از طریق بسیج به جبهه اعزام گردید.

بعد از مجروحیت و بهبودی از آن مجروحیت به خدمت مقدس سربازی رفتند، هر دفعه چند ماه در جبهه می ماندند و بعد از آن جهت دیدار خانواده به مرخصی می آمدند.

۴ آیا خاطره ای از جبهه رفتن یا سربازی ایشان به یاد دارید؟

□ یک روز در جایی نشسته بودیم متوجه شدم موتور سواری نزد می آید نزدیکتر شد دیدم عباس است، بسیار خوشحال شدم از او سؤال گرفتم که کی برگشتید، گفتند: امروز ظهر، به شوخی به او گفتم بگذار به سن قانونی برسی بعد به جبهه برو گفت پدر دعا کن که من در ره خدا به شهادت برسم.

به مادرش گفته بود این دفعه که بر می گردم، آخرین دفعه ای است که شما را می بینم و روی مرا ببوسید زیرا مهر مادر فرزندی باقی می ماند.

زمانی که ایشان جبهه بودند یک شب مرحوم پدرم را در خواب دیدم که گفت: ساختمانی که داشتید خراب شده است، چرا آن را تعمیر نمی‌کنی؟ نگاه کردم و دیدم خراب شده و به سمت قبله سرازیری دارد و یک تکه از سنگهای خانه از آن جدا شده و در کنار ساختمان افتاده به سنگ نزدیک شدم آنها را برداشتم که از خواب پریدم بعد از این خواب دلشوره عجیبی داشتم از درون احساس عجیبی به من دست داده بود و می‌فهمیدم که حادثه‌ای به وقوع می‌پیوندد، چند روز بعد هنگامی که از کار بر می‌گشتم اتومبیلی با چند سرنشین نزد من ایستاد و سؤال کردند که آیا شما پدر عباس نصیری هستید ما با شما و خانواده کار داریم، من سوار ماشین شدم و به آنها تعارف کردم که به منزل بیایند. در راه نزدیکهای خانه بیان نمودند که فرزند شما مجروح شده است. به آنها گفتم هر چه حقیقت است بگوید، آنها گفتند ایشان در جبهه به درجه شهادت رسیده‌اند.

آن شاء الله که خداوند این شهید را از ما بپذیرد. فرزندان را برای دفاع از میهن و نظام و انقلاب فرستادیم و او را به خداوند، امام زمان و رهبر تقدیم کردیم خوشحال هستیم.

خداوند جهان انسان را خلق نمود و دستور داد که اگر برای حفظ جان ضرر و زیانی متوجهی او شد از آن دوری کند ولی هر گاه که مسأله‌ی دفاع از نظام و کیان اسلام است جان و مال همه را باید نمود و شهدا حقیقتاً چنین کردند و بر همه لازم است که در راه حفظ دست آوردهای این شهدا تلاش نماییم و در حقیقت شهدا را از یاد نبریم.

□ □

به نام خدا اینجانب مادر شهید عباس نصیری. ایشان اخلاق و برخوردش بسیار خوب بود. با دوستان و همکلاسی هایش خوب برخورد می کرد و احتیاط همه را نگه می داشت، تا کلاس پنجم تحصیل کرد که به علت فقر و تنگدستی نا پدرش مشغول کار شد.

**یسرم عباس در روز ۲۸ صفر سال ۴۶ متولد شد و ۲۸ صفر سال ۶۵ خبر شهادت ایشان را برای ما آوردند.**



۴ دلیل اصلی اش برای رفتن به جبهه چه بود؟

□ عشق و علاقه ی خاصی به امام و دین و میهن داشتند یک نیروی بسیجی واقعی بود و در آن روز اسلحه بدست گرفت و برای دین و میهن جهاد نمود.

۴ چگونه از شهادت ایشان با خبر شدید؟

□ خبر شهادت ایشان را قبلاً بعضی از همسایگان اطلاع داشتند. یک روز برای اینکه احوال او را از یکی از همزمانش که تازه از کنار او آمده بود پرسیم او گفت که ما او را ندیده ایم در صورتی که می دانستند او به شهادت رسیده ولی به خاطر اینکه ما ناراحت نشویم به ما نگفتند، تا اینکه از طرف بنیاد شهید آمدند و به ما اطلاع دادند هنگامی که پسر عمویش حسن ظریف حق به شهادت رسیدند، خودش به ما گفت که من تا قبل از سالگرد شهادت ایشان به شهادت می رسم و همین صحبتی که خودشان کردند به حقیقت پیوست و هنوز سالگرد شهادت ظریف حق نرسیده بود که ایشان شهید شد.

۴ اگر صحبت خاصی دارید عنوان فرمایید؟

□ از همه ی ملت شریف ایران می خواهم راه این شهیدان را ادامه دهند و پیرو رهبری باشند. وحدت خود را حفظ نمایند و هر چه مقام معظم رهبری عنوان نمایند برای اینکه به این مملکت آسیبی نرسد عمل نمایند.



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران